گفت‌وگوی «جوان» با شاهین ایزدیار ستاره ورزش ایران در بازی‌های پاراآسیایی جاکارتا

شنا را با ترس از آب و بی‌استعدادی شروع کردم!

یک نفر کامنت برایم گذاشت که کاش همه مثل تو به وعده‌هایشان عمل می‌کردند

گفت‌وگو
سعید احمدیان

شاهین ایزدیار اعجوبه ورزش ایران در بازی‌های پاراآسیایی جاکارتا بود؛ ستاره‌ای که با کسب ۶ مدال طلا و یک نقره بهترین ورزشکار مسابقات بازی‌های پاراآسیایی لقب گرفت. ایزدیار که خیلی‌ها او را مایکل فلپس ایران می‌نامند، در گفت‌وگو با «جوان» از راز موفقیتش صحبت کرده است.

با توجه به شرایطی که داشتید چه شد که سمت شنا آمدید؟ انتخاب خودتان بود یا خانواده؟ از روزی که این ورزش را آغاز کردید صحبت کنید.

به اجبار خانواده بود که از ۹ سالگی شنا را شروع کردم، شنا را نه تنها دوست نداشتم، بلکه از این ورزش بدم هم می‌آمد. از آب خیلی می‌ترسیدم و گریه می‌کردم و داخل آب نمی‌رفتم. به همین دلیل چیزی را که دیگران در ۱۲ جلسه یاد می‌گرفتند، من در یک سال یاد گرفتم. در ادامه اما کم کم از این ورزش خوشم آمد و با جمع آشنا شدم و دوست و رفیق پیدا کردم تا اینکه در ۱۴ سالگی به تیم ملی دعوت شدم.

روزهای اولی که شنا را آغاز کردید آیا به جایی رسید که با خانواده در میان بگذارید که این رشته را رها و ورزش دیگری را آغاز کنید یا با خودتان گفتید که سعی می‌کنید با آن کنار بیایید؟

من قبل از شنا، ژیمناستیک و تکواندو کار می‌کردم اما این رشته‌ها را کنار گذاشتم و به سمت شنا آمدم. با توجه به مشکل دستم، در ژیمناستیک فقط حرکت‌های زمینی را می‌توانستم انجام دهم و در این رشته آینده‌ای نداشتم و به دلیل اینکه پدرم تکواندوکار بود ورزش تکواندو را انجام می‌دادم اما چون ورزش سنگینی بود، کنار گذاشتم و به سمت شنا آمدم. در یک سال اول زیاد پیش آمد که با خانواده صحبت می‌کردم با توجه به اینکه شنا را دوست ندارم، این ورزش را ادامه ندهم ولی خب خدا را شکر سماجت خانواده و تشویق‌هایشان باعث شد تا شنا را ادامه دهم و الان به این موفقیت‌ها برسم.

پس در حال حاضر پشیمان نیستید و اگر برگردید به عقب دیگر شنا برایتان یک رشته دوست داشتنی خواهد بود؟

قطعاً، در صورتی که آن سال‌ها این موفقیت را می‌دیدم، با شور و ذوق بیشتری این رشته را یاد می‌گرفتم.

برنامه تمرینی‌تان با توجه به اینکه از ۹ سالگی شنا را آغاز کردید، چگونه بود و در این سال‌ها با چه تمریناتی توانستید به این سطح از موفقیت برسید؟

اوایل هفته سه جلسه بود، در ادامه تا ۱۴ سالگی هفته‌ای شش جلسه و هر روز شد. وقتی وارد تیم ملی شدم، تمریناتم هفته‌ای ۹ جلسه یعنی یک روز یک جلسه و یک روز دو جلسه شد. بعد هفته‌ای ۱۲ جلسه یعنی هر روز دو جلسه و این اواخر هم برای مسابقات پاراآسیایی هفته‌ای ۱۵ جلسه تمرین می‌کردم.

در صحبت‌هایتان اشاره کردید که ژیمناستیک چون آینده‌ای نداشت، این ورزش را رها کردید. به نظر می‌رسد از همان نونهالی، به ورزش به چشم حرفه‌ای نگاه می‌کردید و اینکه بتوانید به تیم ملی برسید و اهداف دیگر. هدفگذاری‌تان چه بود؟

هر چند اوایل از شنا بدم می‌آمد اما وقتی دست چپ و راستم را شناختم، با خودم گفتم من که الان وقت می‌گذارم و خانواده این همه هزینه کرده‌اند تا آخرش بروم ببینم چه می‌شود. ادامه دادم و ادامه دادم و ادامه دادم تا به امروز رسیدم. تا ۱۴ سالگی با افراد عادی در کرج تمرین می‌کردم و اطلاعی نداشتم که کمیته پارالمپیکی یا فدراسیون ورزش جانبازان و معلولانی هست. توسط پدر یکی از بچه‌هایی که شناگر بود و جانباز بود به هیئت ورزشی جانبازان کرج معرفی شدم. سال ۸۶ مسابقات کشوری جانبازان و معلولان در مشهد برگزار شد و من با توجه به اینکه با افراد سالم تمرین کرده بودم، رکوردم پایین‌تر از دیگران بود و سه مدال طلا کسب کردم و ستاره مسابقات شدم. سال بعد از آن هم به تیم ملی دعوت شدم و این باعث شد تا خیلی منسجم‌تر و محکم‌تر هدف‌هایم را از ورزش پیگیری کنم.

مسابقات پاراآسیایی گوانگژو ۲ طلا، یک نقره و ۳ برنز کسب کردید اما در دوره بعد در اینچئون ۶ نقره و یک برنز، چه شد این اتفاق افتاد؟

مسابقات پاراآسیایی گوانگژو اولین دوره این مسابقات بود و خیلی شناخته شده نبود و توانستم با رکوردهای خوب علاوه بر کسب مدال، دو رکورد آسیا را هم بزنم. در اینچئون با وجود اینکه از نظر رکوردی نسبت به دوره قبل بهتر شده بود و رکوردهای ملی را هم زدم اما رقیب چینی‌ام همه مدال‌های طلای من را تبدیل به نقره کرد، این در حالی بود که رکوردهایم بهتر شده بود اما رقیب‌هایم قطعاً بهتر تمرین کرده بودند.

شرایط تمرینی هم تأثیر داشت اینکه سبب شود نتایج گوانگژو تکرار نشود؟

شرایط تمرینی‌ام نسبت به گوانگژو برای بازی‌های آسیایی اینچئون خوب بود و یک ماه قبل از مسابقات پاراآسیایی چین برای تمرین به مشهد رفته بودم و در حال حاضر نزدیک به هشت سال است که در مشهد تمرین می‌کنم. برای مسابقات اینچئون هم خوب تمرین کرده بودم و رکوردهایم هم بهتر شده بود اما قسمت بود نسبت به دوره اول پاراآسیایی در دومین دوره که در کره برگزار شد، طلا نگیرم تا تلنگری به من بخورد که قوی‌تر، محکم‌تر و با انگیزه بیشتری تمرین کنم و همان جا هم به مردم قول دادم که در دوره بعدی یعنی جاکارتا جبران می‌کنم.

در جاکارتا خیلی هم فوق‌العاده بودید. از رفتن به مشهد صحبت کردید. مهاجرت به دلیل ورزش حتماً تصمیم بزرگ و سختی بود!

سال ۸۹ با تشخیص پدر و مادرم و با پیشنهاد آقای محمدحسین اقبالی که آن زمان سرمربی تیم شنا بودند و الان ریاست انجمن ورزش جانبازان و معلولان را بر عهده دارند، به مشهد رفتم. مشهد برای ورزش معلولان امکانات بیشتری نسبت به کرج و تهران دارد. در این شهر جانبازان و معلولان استخر اختصاصی دارند و از همه مهم‌تر اینکه آقای مهدی ضیایی مربی تیم شنای جانبازان و معلولان در این شهر سکونت دارند. به هر حال چنین شرایطی برای یک بچه ۱۳ ساله خیلی سخت بود که هزار کیلومتر دور از خانواده بخواهد زندگی کند. یک سال دائم در هتل یا در زائرسرای بهزیستی که توسط خانم مرادی از اداره بهزیستی کرج هماهنگ شده بود، زندگی می‌کردم. البته بعضی وقت‌ها هم که کارمندان بهزیستی از شهرهای دیگر برای زیارت به مشهد می‌آمدند و از زائرسرا استفاده می‌کردند، من باید بیرون می‌رفتم و آواره بودم. یک سال اول شرایط خیلی برایم سنگین بود و واقعاً سختی زیادی کشیدم و الان نزدیک به پنج سال است که خودم واحد مسکونی مستقل گرفته‌ام، ولی باز هم مشکلات دوری از خانواده هست.

اما خب این سختی‌ها امروز به بار نشسته است و نتیجه آن را دارید می‌بینید.

بله، خدا را شکر همه اتفاق‌ها و سختی‌ها را تحمل کردم، خیلی چیزها را از دست دادم که در حال حاضر توانستم این افتخارات و مدال‌ها را کسب کنم.

> **من برای این مسابقات خیلی سختی کشیدم و قول داده بودم در جاکارتا جبران می‌کنم. تمرین‌های بسیار سختی را انجام داده بودم و به خودم شک نداشتم که بهترین نتیجه را می‌توانم بگیرم. البته مسابقه است و قابل پیش‌بینی نیست و هزار و یک اتفاق ممکن است در آن بیفتد**

به امکانات تمرینی مناسب برای معلولان در مشهد اشاره کردید. در کرج یا تهران این امکانات فراهم نبود؟ مسئولان همکاری نمی‌کردند؟

یکی از دلایلی که باعث شد به مشهد بروم، بی‌مهری بود که به شنای معلولان می‌شد، نه تنها من، بلکه کل بچه‌ها رنج می‌بردند. استخر در اختیارمان نمی‌گذاشتند یا آبش گرم بود یا سانسی به ما اختصاص نمی‌دادند یا ساعت سانسی که به ما می‌دادند بد بود، به عنوان مثال ساعت سانس ۱۰ تا ۱۲ شب را به ما می‌دادند که اصلاً ساعت خوبی برای تمرین نیست و با توجه به اینکه ما دانش‌آموز بودیم و باید ساعت ۶ صبح به مدرسه می‌رفتیم، ساعت مناسبی نبود تا اینکه به مشهد رفتم و تمریناتم را در این شهر ادامه دادم.

درباره مسابقات جاکارتا صحبت کنیم؛ مسابقاتی که با کسب ۶ مدال طلا و یک نقره شاهکار کردید و ستاره مسابقات لقب گرفتید. جالب بود قبل از مسابقات هم با قاطعیت قول کسب ۶ طلا را داده بودید که نشان می‌داد اراده فولادینی برای موفقیت دارید.

من برای این مسابقات خیلی سختی کشیدم و قول داده بودم در جاکارتا جبران می‌کنم. تمرین‌های بسیار سختی را انجام داده بودم و به خودم شک نداشتم که بهترین نتیجه را می‌توانم بگیرم. البته مسابقه است و قابل پیش‌بینی نیست و هزار و یک اتفاق ممکن است در آن بیفتد.

اما به هر حال این قول را شما دادید.

بله، در فضای مجازی این قول را به مردم دادم و خدا را شکر می‌کنم که توانستم به آن عمل کنم و پرافتخارترین ورزشکار بازی‌های پاراآسیایی شوم و این افتخار از بین ورزشکاران ۴۳ کشور آسیایی به یک ورزشکار ایرانی برسد.

به فضای مجازی اشاره کردید. شما قبل از مسابقات، استفاده از شبکه‌های اجتماعی را کنار گذاشتید، این در حالی بود که در بازی‌های آسیایی شاهد بودیم که یکی از اعضای تیم فوتبال امید در شب مسابقه تا صبح در شبکه‌های اجتماعی فعال بود و حتی استوری هم گذاشته بود، این مسئله هم سبب شد تا از تیم اخراج شود و به تهران بازگردد. همین می‌شود که یکی مثل شاهین ایزدیار با مدیریت، فضای مجازی را کنار می‌گذارد و موفق می‌شود و یکی دیگر هم می‌شود مثل ملی پوش تیم فوتبال امید که راه به جایی نمی‌برد!

زندگی قهرمانی حرفه‌ای، می‌طلبد اگر آدم می‌خواهد کاری انجام دهد، صددرصد توان و انرژی‌اش را برای به سرانجام رساندن آن کار بگذارد. من هم هدفم موفقیت در جاکارتا بود به همین دلیل تمام تمرکزم را روی موفقیت در این مسابقات گذاشتم و ۵۰ روز قبل از مسابقات پاراآسیایی جاکارتا یک پست در اینستاگرام گذاشتم و از هوادارانم خداحافظی کردم و گفتم ان‌شاءالله پست بعدی با ۶ مدال طلا. تصمیم برای دوری از فضای مجازی به این دلیل بود که می‌خواستم از حاشیه‌ها دور باشم، با توجه به اینکه در دنیای مجازی بسیاری از خبرها دروغ است، احیاناً اگر خبری منتشر شد، درگیر آن نشوم. خیلی خبرها ممکن بود ناراحتم کند و روحیه‌ام را به هم بریزد یا حرفی از سمت کسی زده شود که ناامیدم کند، به همین دلیل فضای مجازی را کنار گذاشتم تا این اتفاقات نیفتد و خدا را شکر به قولی که داده بودم، عمل کردم.

در مدتی که فضای مجازی را کنار گذاشته بودید، وسوسه نشدید که بروید و اینستاگرامتان را چک کنید ببینید که هوادارانتان چه کامنت‌هایی گذاشته‌اند؟

خیلی وقت‌ها در این مدت می‌خواستم به فضای مجازی سر بزنم اما با توجه به قولی که داده بودم، این کار را نکردم.

واکنش مردم پس از موفقیت‌تان در صفحه شخصی‌تان در اینستاگرام و جالب‌ترین کامنتی که هوادارانتان گذاشته بودند چه بود؟

جالب‌ترین کامنتی که برایم نوشته بودند و نظرم را جلب کرد این بود که کاش همه به وعده‌هایی که می‌دهند عمل می‌کردند!

در این مسابقات بعد از گرفتن ۵ طلا، وقتی در مسابقه ششم نقره گرفتید، مصاحبه کردید و گفتید که شرمنده مردم هستید که طلا نگرفتید، در حالی که قبل از آن ۵ طلا گرفته بودید و ارزش مدال نقره هم کم نبود، عذرخواهی‌تان با وجود کار بزرگتان در حالی بود که برخی ورزشکاران با کسب یک موفقیت کوچک منت آن را بر سر مردم می‌گذارند! برخورد شما اما قابل توجه بود و نشانه بزرگ منشی‌تان.

دوست داشتم هر هفت ماده‌ای که شرکت می‌کنم، طلا بگیرم چون مردم با مدال طلا خوشحال می‌شوند و وقتی سرود ملی کشور نواخته می‌شود، احساس خوبی به مردم و همچنین خودم منتقل می‌گردد. به همین دلیل وقتی طلا نگرفتم و نقره شد شرمنده مردم شدم. موفقیت‌هایم به خاطر دعای مردم است و وقتی نتوانستم طلا بگیرم، گفتم که شرمنده شدم.

اما در ماده آخری که شرکت کردید، ششمین طلایتان را گرفتید. بعد از آن از علاقه‌تان به پرسپولیس و فوتبال و شش‌تایی‌ها صحبت کردید، نگران نشدید که حرف‌هایتان واکنش استقلالی‌ها را به دنبال داشته باشد؟

همه چیز از ویدئویی شروع شد که بچه‌های خبرنگار در جاکارتا پس از کسب مدال طلای ششم و ابراز علاقه‌ام به پرسپولیس گرفتند. به هر حال هر کس به یک تیم علاقه دارد و من هم رنگ قرمز را دوست دارم و پرسپولیسی هستم. خیلی معدود از هواداران استقلال بودند که از دست من ناراحت شوند و پیام نامربوطی بگذارند.

بعد از موفقیت بزرگتان در جاکارتا برنامه‌تان به طور قطع برای پارالمپیک توکیو خواهد بود. شما در پارالمپیک ریو و لندن هم به فینال رسیده و در جمع هشت نفر برتر قرار گرفته‌اید. حالا با موفقیتی که در جاکارتا به دست آورده‌اید، انتظارها از شما بالا رفته است و همه مدال پارالمپیک از شما می‌خواهند.

من در پارالمپیک ریو و لندن به فینال رسیدم و در رشته شنا به فینال رسیدن افتخار بزرگی است، یعنی با توجه به سختی این کار این موفقیت مانند گرفتن مدال در سایر رشته‌هاست. رکوردهای بچه‌های پارالمپیکی هم در حد المپیکی‌هاست. مردم این قول را از من گرفته‌اند، من هم تلاشم را می‌کنم و تمام توانم را می‌گذارم به بزرگ‌ترین افتخار زندگی ورزشی‌ام که رفتن روی سکوی المپیک است، برسم.

در این راه انتظارتان از مسئولان چیست؟ برای مدال پارالمپیک قطعاً حمایت‌ها و تدارکی که مسئولان در نظر می‌گیرند باید خیلی بیشتر از پاراآسیایی باشد.

شنا رشته پر مدالی است و امیدوارم مسئولان حمایت کنند. اگر بشود من در دو سال یک کمپ خارج از کشور اعزام شوم، درصد موفقیت و رفتن روی سکو خیلی بیشتر می‌شود. امیدوارم مسئولان این لطف را در حق من کنند.

برای المپیکی‌ها اردوهای خارجی می‌گذارند، کوچکترین حق بچه‌های پارالمپیک با توجه به موفقیت‌های خیره‌کننده‌شان این است که برای آنها هم چنین تدارکی دیده شود، به خصوص که بچه‌های معلول و جانباز با کمترین امکانات، بیشترین افتخارات را کسب کرده‌اند.

متأسفانه در حق بچه‌های پارالمپیک همیشه ظلم می‌شود و بودجه کافی در اختیارشان قرار داده نمی‌شود اما با این وجود همواره بهترین نتیجه‌ها را گرفته‌اند. امیدوارم در این زمینه تجدیدنظری شود. البته شرایط پس از اینکه بودجه کمیته پارالمپیک از المپیک جدا شده، بهتر شده است و روز به روز رو به بهبود است. به امید خدا این افزایش رسیدگی‌ها ادامه داشته باشد، چون هنوز شرایط برای پارالمپیکی‌ها ایده‌آل نیست.

شما با توجه به موفقیت‌هایتان یکی از الگوهای جامعه معلولان ایران هستید که فعل توانستن را صرف کرده‌اید، چه صحبتی با کسانی دارید که با توجه به شرایط معلولیت ممکن است گوشه‌گیر شده باشند و سراغ ورزش نروند.

با توجه به پوشش خوب تصویری بازی‌های پاراآسیایی جاکارتا از سوی صداوسیما، خیلی‌ها به من پیام دادند که بچه من مشکل شما را دارد و از موقعی که شما این موفقیت‌ها را کسب کرده‌اید، نوری در دل ما روشن شده است و می‌خواهیم بچه‌هایمان آینده‌ای مثل شما داشته باشند. این خیلی اتفاق بزرگ و مبارکی است و واقعاً خوشحالم که این اتفاق افتاده و من هم از هیچ کمکی به آنها دریغ نمی‌کنم، تا الان کمک کردم و بعد از این نیز کمک می‌کنم. واقعاً اینگونه بچه‌ها چیزی از بقیه کم ندارند و استعدادشان بیشتر از افراد عادی است و می‌توانند خودشان را ثابت کنند.

و سؤال آخر. خانواده چه نقشی در موفقیت‌هایتان داشتند؟

خانواده کمک زیادی به من کردند. من خیلی وقت‌ها با توجه به مشکل دستم از ورزش زده می‌شدم و سراغ تمرین نمی‌رفتم و وارد مجموعه جدیدی که برای اولین بار بود می‌خواستم تمرین کنم، نمی‌شدم تا نگاه‌های عجیبی به من نشود. رفته‌رفته با قهرمانی‌هایی که کسب کردم، اعتماد به نفسم زیاد شد و در حال حاضر دیگر با دستم رفیق هستم و به آن افتخار می‌کنم.

متن آگهی

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به خانم سحر رنجبر فرزند مرتضی خواهان آقای محمدجواد برکتی دادخواستی به طرفیت خوانده خانم سحر رنجبر به خواسته ثبت واقعه ازدواج مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۰۲۰۲۰۰۰۵۵۶ شعبه ۲۵۰ دادگاه خانواده مجتمع قضایی خانواده یک تهران ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۶ ساعت ۱۰:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

۱۱۰/۸۷۲۷۹ ت مدیر دفتر دادگاه حقوقی شعبه ۲۵۰ دادگاه خانواده مجتمع قضایی خانواده یک تهران- سیده مهری هاشمی اوریمی

متن آگهی

به موجب درخواست اجرای حکم مربوطه به شماره ۹۷۱۰۰۹۰۲۰۱۲۰۰۸۸۷ و شماره دادنامه مربوطه محکوم علیه محکوم است به پرداخت ۳۰۰ عدد سکه تمام بهار آزادی به عنوان مهریه زوجه و هزینه دادرسی در اجرا به عهده زوجه می‌باشد هزینه نیم عشر دولتی در اجرا به عهده محکوم علیه می‌باشد.

اجراییه

محکوم له/ محکوم لهم: فریبا عظیما فرزند محمود به نشانی تهران- تهران محکوم علیه/ محکوم علیهم: حمید بهروزی فرزند نصراله به نشانی تهران- تهران محکوم به: به موجب درخواست اجرای حکم مربوطه به شماره ۹۷۱۰۰۹۰۲۰۱۲۰۰۸۸۷ و شماره دادنامه مربوطه محکوم علیه محکوم است به پرداخت مبلغ ۳۰۰ عدد سکه تمام بهار آزادی به عنوان مهریه زوجه و هزینه دادرسی در اجرا به عهده زوجه می‌باشد هزینه نیم عشر دولتی در اجرا به عهده محکوم علیه می‌باشد. محکوم علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجراییه: ۱- ظرف ده روز مفاد آن را به موقع اجرا گذارد (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی) ۲- ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد. ۳- مالی معرفی کند که اجرا احکم و استیفا محکوم به از آن میسر باشد. چنانچه خود را قادر به اجرای مفاد اجراییه ندانند باید ظرف سی روز کلیه اموال خود را شامل تعداد یا مقدار و قیمت همه اموال منقول و غیرمنقول، به طور مشروح مشتمل بر میزان وجوه نقدی که به هر عنوان نزد بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری ایرانی یا خارجی دارد به همراه مشخصات دقیق حساب‌های مذکور و کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوای اعسار به ضمیمه دادخواست اعسار به مقام قضایی ارائه نماید والا به درخواست محکوم له بازداشت می‌شود (مواد ۸ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴) ۴- خودداری محکوم علیه از اعلام کامل صورت اموال به منظور فرار از اجرای حکم، حبس تعزیری درجه هفت را در پی دارد (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۲۰ ق.م.ا و ماده ۱۶ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴) ۵- انتقال مال به دیگری به هر نحو با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد موجب مجازات تعزیری درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم به یا هر دو مجازات می‌شود. (ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴) ۶- چنانچه صورت اموال پس از مهلت سی روز ارائه شود آزادی محکوم علیه از زندان منوط به موافقت محکوم له یا تودیع وثیقه یا معرفی کفیل توسط محکوم علیه خواهد بود. (تبصره ۱ ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴)

۱۱۰/۸۷۲۸۱ت مدیر دفتر دادگاه حقوقی شعبه ۲۴۲ دادگاه خانواده مجتمع قضایی خانواده یک تهران- زهره زال

متن آگهی

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای مهدی کبیری فرزند محمدباقر خواهان‌ها آقای محمود مسلمی و غیره دادخواستی به طرفیت خوانده آقای مهدی کبیری به خواسته الزام به تنظیم سند رسمی ملک و مطالبه خسارات دادرسی مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۲۱۶۴۴۰۰۵۹۰ شعبه ۲۱۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مفتح تهران ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۷ ساعت ۱۱:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

۱۱۰/۸۷۲۷۳ ت منشی دادگاه حقوقی شعبه ۲۱۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مفتح تهران

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۲۱۶۰۴۰۰۰۳۰ شعبه ۳۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید صدر تهران تصمیم نهایی شماره ۹۷۰۹۹۷۲۱۶۰۴۰۰۵۸۰ خواهان: شرکت گولدن آبشار به شماره ثبت ۳۰۴۵۴ با نمایندگی آقای عزت آکباش با وکالت خانم نادیا اسود فرزند سلیمان به نشانی تهران پاسداران نبش بوستان دهم مجتمع بوستان طبقه ۵ واحد ۳۳ خواندگان: ۱- آقای سعید رضائی به نشانی تهران شهرک غرب بلوار دادمان (دریا)، بلوار درختی، خیابان نورانی، پلاک ۱۰۴، طبقه سوم شمالی ۲- آقای سارا رضائی ۳- آقای مجتبی رضائی ۴- آقای ساناز رضائی همگی به نشانی تهران خیابان شریعتی خیابان ملک پلاک ۵۲ واحد ۳ ۵- شرکت برین پلاست به نشانی تهران شهرک صنعتی پرند بلوار صنعت، خیابان نور، خیابان کاج، قطعه ۸۳۸ ۶- آقای سعید صدرنیا به نشانی تهران خیابان شریعتی خیابان ملک پلاک ۵۲ واحد ۳ خواسته: مطالبه وجه بابت....

رای دادگاه

نسبت به دادخواست مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۳ خواهان شرکت گولدن آبشار به شماره ثبت ۳۰۴۵۴ با نمایندگی آقای عزت آکباش با وکالت نادیا اسود به طرفیت خواندگان ۱- شرکت برین پلاست ۲- آقای مجتبی رضایی ۳- خانم ساناز رضایی ۴- خانم سارا رضایی ۵- آقای سعید رضایی ۶- آقای سعید صدرنیا به خواسته مطالبه وجه ملاحظه می‌گردد خواهان مدعی است برابر صورتجلسه شماره ۹۴-۹۷۰۰ مورخ ۹۴/۷/۵ خواندگان بدهکاری خود به مبلغ ۲,۲۳۲,۰۱۰۰۰۰ ریال را پذیرفته و جهت تضمین پرداخت یک فقره چک به شماره ۶۵۳۱۵۲ تحویل خواهان گردیده با عنایت به اینکه در مورد چک به شرح دادنامه شماره ۰۱۶۷ مورخ ۹۵/۲/۱۹ شعبه محترم ۳۶ دادگاه عمومی تهران صرفاً علیه شرکت حکم محکومیت غیابی صادر گردیده و خوانده ردیف دوم به عنوان مدیرعامل ظهر چک را امضا نموده و توجها به صورتجلسه موخر مورخ ۹۴/۹/۹ که خوانده ردیف اول صراحتا به مانده بدهی موضوع خواسته اقرار نموده‌اند لذا به شرح خواسته تقاضای رسیدگی دارد دادگاه با عنایت به جمیع اوراق و محتویات پرونده اگرچه انتساب انشعاب تعهدات و اقاریر مندرج در دو فقره صورتجلسه استنادی به شرکت خوانده ردیف اول محرز نمی‌داند چرا که فاقد مهر شرکت و جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

۱۱۰/۸۷۲۷۳ ت منشی دادگاه حقوقی شعبه ۲۱۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مفتح تهران

سمت امضاکنندگان صورتجلسه است لاکن آنچه برای دادگاه در حال حاضر محرز است که البته از ایراد خواندگان مصون مانده که وجود مبایعه نامه مورخ ۹۳/۱۲/۱۷ و صدور حکم نسبت به چک به مبلغ موضوع خواسته است که با استصحاب بقای دین خواسته را وارد مستندا به ماده ۱۹ قانون صدور چک و مواد ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۳۳۸ قانون مدنی حکم محکومیت تضامین خواندگان ردیف اول و دوم به پرداخت مبلغ ۲,۲۳۲,۰۱۰,۰۰۰ ریال به انضمام هزینه‌های دادرسی و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه و خسارت تاخیر تادیه نسبت به خوانده ردیف اول از تاریخ سررسید چک و نسبت به خوانده ردیف دوم از تاریخ تقدیم دادخواست تا زمان وصول براساس شاخص اعلامی بانک مرکزی صادر و اعلام می‌نماید نسبت به دعوی خواهان به طرفیت سایر خواندگان با توجه به اینکه نامبردگان اصالتا در روابط قراردادی فی مابین دخالتی نداشته‌اند لذا دادگاه به دلیل عدم توجه دعوی قرار رد دعوی ایشا را صادر و اعلام می‌نماید رای صادره نسبت به خوانده ردیف دوم غیابی ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه و ۲۰ روز پس از آن قابل اعتراض در مرجع محترم تجدیدنظر استان تهران است نسبت به خوانده ردیف اول قرار صادره حضوری ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در مرجع محترم تجدیدنظر استان تهران است.

۱۱۰/۸۷۲۷۷ت رئیس شعبه ۳۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران- حمید خلیلی فر

متن آگهی

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به خانم معصومه صبوری خواهان آقای بهروز پیروزی دادخواستی به طرفیت خوانده خانم معصومه صبوری به خواسته ابطال مبایعه نامه مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۲۱۶۴۴۰۰۳۵۱ شعبه ۲۱۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مفتح تهران ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۵ ساعت ۰۸:۳۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

۱۱۰/۸۷۲۷۵ ت منشی دادگاه حقوقی شعبه ۲۱۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مفتح تهران